

حسن گوهرپور

یکی از حوزه‌های قابل تأمل در مورد «گنجینه‌های از یاد رفته هنر ایران» هنر خوش نویسی است. استاد غلامحسین امیرخانی معتقد است: «هنرها به موازات فرآیندهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه حرکت می‌کنند و هنری که نتواند نیازهای زمانش را برآورده کند نخواهد ماند.» اما در مورد خوش نویسی اعتقادش بر این است که به دلیل همخوانی این هنر با ادبیات، که در خون مردم ایران جاری است، خوشبختانه در گذر تاریخ به فراموشی سپرده نشده، اما خطوطی در این هنر دیگر مورد استفاده نیستند. در این گفت و گو به طور خاص درباره خطوط فراموش شده صحبت کرده ایم که می‌خوانید.

استاد امیرخانی، غیر از خطوطی که ما امروز می‌شناسیم و در تاریخ خط ایران تاکنون حیات داشته‌اند، آیا خطوطی را سراغ دارید که کمتر مورد توجه قرار گرفته و سپس فراموش شده باشند؟ خطوط مختلفی هستند که در هم تنیده شده‌اند و مثلاً الان به طور مستقل وجود ندارند. البته در زمان خودشان هم هنرمندان خوش نویس به طور ویژه به آن نوع خط‌ها نمی‌نوشتند؛ خطوطی مثل ریحان، رفاع، گلزار، دیوانی، توقیع، محقق و... خط «ریحان» چه نوع خطی بود؟ برخی معتقدند این خط مشتق از محقق است؟

خطوط ریحان، رفاع، توقیع و محقق در کنار ثلث و نسخ که روی هم رفته شش خط می‌شوند، برخی مشترکات دارند و ما آنها را «خطوط سته» می‌شناسیم. این اصطلاح در تاریخ هنر ایران بر این خطوط گذاشته شده است. در مورد هر کدام از این خطوط حرف‌هایی زده و آثار بسیاری خلق شده، اما نمونه‌های کمی به جا مانده است. در مورد اشتراکات هم باید عرض کنم به عنوان مثال خط ریحان شبیه خط محقق است و محقق با کوفی



گفت و گو با غلامحسین امیرخانی



خطوط از یاد رفته در سرزمین ادبیات

نزدیکی دارد. از طرفی رفاع بین نسخ و دیوانی است که در ایران از این خط یا شبیه این روش در برخی آثار گرافیکی استفاده می‌کنند. اما آنچه در تاریخ هنر ما نوشته شده ابداع کننده این خطوط را علی بن مقله بیضاوی پارسی گفته‌اند که بسیار انسان با استعدادی بوده و نبوغش باعث شده این خطوط به شایستگی و هنرمندی، به ترتیبی که تابع قوانین فنی دقیقی است، اجرا شود. ابن مقله وزیر دوره عباسی هم بوده، اما به دلایلی به وی حسادت می‌ورزند و او را به زندان می‌اندازند و دست راستش را قطع می‌کنند. در تاریخ آمده که او با دست چپ هم توانایی نوشتن خط خوش را پیدا می‌کند و پس از مدت‌ها از زندان بیرون می‌آید و با درایت و تدبیر دوباره به مناصب بالایی دست پیدا می‌کند. اما بار دیگر او را به زندان می‌اندازند و سپس قطعه قطعه اش می‌کنند. شاید او اولین شهید هنر و فرهنگ ایران باشد. اما به نظر من ابن مقله نمی‌توانسته شش خط را ابداع کند، چرا که یک استاد و هنرمند در تمام مدت کار هنری خود فقط می‌تواند یک خط را تکمیل کند. در این مورد گویا در تاریخ، منطق کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

آیا از این مقله خطی به جای مانده؟

ممکن است مانده باشد. چون در آن زمان تشکیلات مناسبی برای نگهداری این آثار وجود نداشته و در واقع در گذر تاریخ توسط برخی خانواده‌های علاقه مند نگهداری می‌شده، ممکن است از ابن مقله

هم اثری مانده باشد.

خط «رقاع» چگونه خطی بوده است؟

این خط در واقع همان گونه که ذکر شد، از همین خانواده خطوط ششگانه و تقریباً بین خط نسخ و دیوانی است. در این نوع خط ما نماینده برجسته و قابل توجهی نداشته ایم که مثلاً بتوانیم مثل میرعماد در خط نستعلیق از او نام ببریم. این خط عموماً توسط استادانی که پنجه و توانایی در سایر خطوط داشته اند نوشته و تجربه شده است؛ مثلاً استادی نسخ نویس یا ثلث نویس بزرگی بوده و در کنارش خطوط تزیینی مثل رقاع را هم نوشته و تجربه کرده است.

خط «دیوانی» یکی دیگر از خطوطی است که امروز دیگر چندان فراگیر نیست. برخی معتقدند این خط به صورتی از خط تعلیق درآمده است. همان طور که می دانیم، خط دیوانی در عثمانی رواج داشته. نظر شما درباره این خط که تقریباً مهجور مانده، چیست؟ خط دیوانی همان طور که شما ذکر کردید، بیشتر مورد نظر و استفاده اعراب و ترک های عثمانی بوده و در کنار و مثل خط شکسته ما که دورانی داشته و در ایران به کمال رسیده، یکی از زیباترین خطوط هنری ایران به حساب می آید. در کشورهای عربی و عثمانی خط دیوانی یکی از عمومی ترین خطوط است.

در میان خطوط فراموش شده یا آنهایی که در معرض فراموشی قرار گرفته اند، همان طور که حضرت عالی فرمودید، خطی وجود دارد با

عنوان «گلزار». ویژگی های این خط چیست؟

گلزار در واقع خطی بوده که در هر قالب خطی امکان تعریف آن وجود داشته است؛ به این معنی که شما داخل خط نستعلیق را فرض کنید که خالی است و فقط ما خطی در اطراف کلمه داریم و داخل کلمه که می بایست با جوهر (به طور طبیعی) سیاه باشد، پراز الوان و اشکال و طرح های مختلف باشد.

آیا خط گلزار به نقاشی-خط نزدیک نیست؟

بله، نزدیک است و در واقع پایه نقاشی-خط، خط گلزار

است. در این خط گل و بلبل و حیوانات را تا آن جا که پیچ و خم خط اجازه می دهد تلفیق می کنند. البته این خط را می شود در خطوط مختلف اجرا کرد، اما در نستعلیق این کار بیشتر انجام می شد.

استاد امیرخانی، «سیاق» چه نوع خطی بوده؟ آیا این نوع خط امروز کاربردی دارد؟

سیاق به عنوان خطی هنری مطرح نبوده است. در واقع شیوه ای عددنویسی است که در بازار و مناسبات تجاری قدیم، بازرگانان و مردم حساب و کتابشان را با آن می نوشتند و ثبت می کردند. سیاق در واقع به جای عدد و ریاضیات امروز کاربرد داشته است و حالا هم به دلیل تغییر در شیوه زندگی و معیشت، طبیعی است که امکانات و ابزار هم تغییر کرده و ابزار جدید و فن آوری امروز جای ابزار سنتی را گرفته باشد.

